

# ظرفیت‌های منبعی و ابزاری عقل در تولید علم دینی (با تأکید بر آیات قرآن کریم)

-----رمضان علی تبار\*

۱۳۰

قرآن پژوهی

سال اول / شماره ۲ / زمستان ۱۴۰۰

## چکیده

«عقل» به‌عنوان یکی از قوای ادراکی بشر ظرفیت‌های فراوانی دارد که از جمله مهم‌ترین آن، نقش منبعی و ابزاری آن در تولید معرفت است. قرآن کریم به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم به ظرفیت‌های آن پرداخته و بشر را به تعقل و عقلانیت دعوت نموده است. در آیات قرآن کریم به‌صورت مستقیم و با دلالت مطابقی از واژه عقل و مشتقات آن استفاده شده و به‌صورت غیر مستقیم و با دلالت التزامی نیز از واژه‌هایی نظیر قلب، لب و فؤاد و با کارکردهایی نظیر تفکر، تفقه، شعور، بصیرت و درایت بهره گرفته است. این واژگان در قرآن کریم در حقیقت مترادف یا مرتبط با کارکردهای معرفتی عقل اند. مقاله حاضر می‌کوشد با روش عقلی و نقلی و با تأکید بر آیات قرآن کریم، کارکردهای منبعی و ابزاری عقل را به‌ویژه در حوزه علم دینی و علوم انسانی اسلامی تحلیل و بررسی نماید. بر اساس آیات قرآن کریم عقل، هم به‌مثابه منبع معرفت، نقش معرفت‌زایی استقلالی در تولید علم دینی دارد و هم دارای کارکرد ابزاری و غیر استقلالی است.

**واژگان کلیدی:** عقل، ظرفیت منبعی، ظرفیت ابزاری، قرآن کریم.

## مقدمه

انسان در هنگام تولد، فاقد هر گونه شناخت و معرفت حصولی است (نحل: ۷۸). فرایند طبیعی شکل‌گیری شناخت انسان پس از تولد، از طریق مجاری ای است که خداوند در انسان قرار داده است. با توجه به اصل مبدائیت و فاعلیت حقیقی خداوند برای معرفت، اولاً فرایند تکون علم به لحاظ وجودی، «طولی-عمودی» خواهد بود؛ ثانیاً همه معارف و منابع معرفتی آن، از او سرچشمه خواهد گرفت و در نتیجه خداوند مجاری، منابع و ابزارهای معرفتی را به ما می‌شناساند: ﴿سَمُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ...﴾ (فصلت: ۵۳) بر اساس این آیه، افاضه علم و معرفت به لحاظ هستی‌شناختی، از بیرون وجود انسان (توسط خداوند) صورت می‌گیرد؛ اما از جهت معرفت‌شناختی (ارتباط‌گیری فاعل شناسا با مبدأ حقیقی)، علم و معرفت از مجاری و کانال‌های خاصی نظیر وحی، عقل، فطرت و قلب محقق می‌شود و به همین دلیل از آنها به «راه‌ها»، «مجاری» و «وسائط» نیز تعبیر می‌کنیم. یکی از این منابع و ابزار معرفتی، «عقل» است که قرآن کریم به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم، بشر را به تعقل و عقلانیت فراخوانده است. در صورت نخست (مستقیم و با دلالت مطابقی) از مشتقات آن استفاده شده و به صورت غیر مستقیم (دلالت التزامی) نیز از واژه‌هایی نظیر قلب، لب و فواد و با کارکردهایی نظیر تفکر، تفقه، شعور، بصیرت و درایت بهره گرفته است. همچنین بر اساس قرآن کریم کارکردهای عقل را می‌توان به دسته‌های مختلفی نظیر کارکرد نظری و عملی، کارکرد ظاهری و باطنی و کارکرد زیرساختی و روساختی تقسیم نمود. از جمله مهم‌ترین کارکردهای معرفتی عقل می‌توان به ظرفیت منبعی و ابزاری عقل اشاره کرد. مسئله اصلی در مقاله حاضر نقش منبعیت عقل در علوم و معارف است. در مقابل این مبنا، رویکردهای مختلف عقل‌ستیز یا عقل‌گریز وجود دارد که اخباریون شیعه از جمله آن است. آنان با معتبر دانستن تمامی روایات کتب اربعه، ظرفیت‌های استقلالی عقل به‌ویژه نقش منبعی آن را انکار کردند (استرآبادی، بی‌تا، ۱۰۲ و ۲۷۲). این در حالی است که بر اساس آیات و روایات، عقل، افزون بر نقش ابزاری، دارای ظرفیت منبعی نیز می‌باشد. در ادامه ضمن طرح معنای عقل و مفاهیم مرتبط و همچنین پیشینه مسئله، به کارکردهای منبعی و ابزاری عقل از منظر قرآن کریم خواهیم پرداخت.

۱۳۱

قرآن پژوهی

ظرفیت‌های منبعی و ابزاری عقل در تولید علم دینی (با تأکید بر آیات قرآن کریم)

## الف. مفهوم‌شناسی و پیشینه

شناخت مفهومی واژگان کلیدی در شناخت منظور و مقصود استفاده از واژه‌ها توسط نگارنده را مشخص می‌نماید و همچنین بیان پیشینه تحقیق سبب شناسایی وجه امتیاز مقاله حاضر نسبت به سایر نوشته‌ها می‌شود. پس در این بخش ابتدا به مفهوم‌شناسی پرداخته می‌شود و سپس به پیشینه اشاره می‌گردد.

### ۱. مفهوم‌شناسی

مفاهیم کاربردی که در این مقاله از آنها به‌عنوان واژگان کلیدی بهره گرفته شده و نیاز به توضیح مفهومی دارند عبارت‌اند از:

#### ۱/۱. عقل

«عقل» از «عقال» در لغت به معنای «منع»، «پابند» و «دژ» (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۷۷۵/۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۵۷۸/۱) آمده است و به همین دلیل نیرویی که کنترل‌کننده نفس بوده، انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، عقل می‌نامند (طریحی، ۱۴۰۸: ۲۲۵/۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۹۵/۸). اصطلاح عقل در علوم مختلف متفاوت است. عقل در اصطلاح علوم عقلی، عمدتاً به دو معنا آمده است: یکی به معنای موجودی که ذاتاً و فعلاً مجرد می‌باشد (مستقل و بدون تعلق به نفس و بدن) (شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۶۳/۷). عقل در معنای دیگری از قوا و مراتب نفس انسانی است. در این معنا، عقل موجودی مستقل نیست، بلکه با نفس متحد است. این معنا از عقل در مقابل قوه خیال، وهم و حس قرار دارد و قادر به ادراک کلیات است و می‌تواند مسائل نظری را از مقدمات بدیهی و معلوم استنباط کند. عقل در معنای دوم، چهار مرتبه دارد: عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد (حلی، ۱۳۷۲: ۲۳۵؛ شیرازی، ۱۴۲۰: ۳۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۵: ۲۴۸).

#### ۱/۲. قلب

«قلب» در قرآن، هم به معنای نفس و روح آمده و هم مترادف عقل به‌مثابه قوه ادراک و تعقل به کار رفته است (راغب، ۱۴۱۲: ۶۸۱/۱-۶۸۲). قلب در برخی آیات (بقره: ۹۷؛ شعرا: ۱۹۳؛ حج: ۴۶؛ بقره: ۲۸۳) به معنای نفس و روح است (طباطبایی، بی‌تا، ۳۱۷/۱۵ و ۲۲۴/۲ و ۴۳۶) و در برخی آیات، ناظر به معنای دوم (عقل = قوه ادراک) (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶۸۷/۱؛ طباطبایی، بی‌تا،

۲۲۸/۲). قلب در آیاتی نظیر «لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا... وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ...»

﴿حج: ۴۶﴾، «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا...» (اعراف: ۱۷۹)، «وَوَطِّعَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ...» (توبه: ۸۷) یا «أَنَّ فِي ذٰلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ» (ق: ۳۷) به معنای قوه ادراکی است. بر اساس برخی روایات قلب در این آیه به معنای عقل (مرکز ادراکات یا ابزار ادراکی) آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶/۱؛ طباطبایی، بی‌تا، ۹۵/۱۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۳۹۹/۴). لذا کاربرد قلب در قرآن کریم، بیشتر به همین معنا (معادل عقل) است. در قرآن کریم، افزون بر کارکردهای یادشده، کارکردهای احساسی و عاطفی نظیر ترس (انفال: ۲)، حسرت (آل عمران: ۱۵۶)، آرامش (رعد: ۲۸) و امثال آن نیز برای قلب ذکر شده است که ارتباطی با مسئله حاضر ندارد.

۱/۳. لب

واژه «لب» نیز در قرآن به معنای عقل است (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۰۲/۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۷۳۰/۱). البته نه هر عقلی بلکه عقل سلیم و خالص: «وَالْأَلْبَابُ جَمْعُ لَبٍ وَهُوَ الْعَقْلُ الزَّكِي الْخَالِصُ مِنَ الشَّوَابِ» (طباطبایی، بی‌تا، ۲۹/۳). بنابراین رابطه عقل و لب، عام و خاص من وجه می‌باشد؛ زیرا هر لیبی عقل است، اما هر عقلی لب نیست (راغب، ۱۴۱۲: ۷۳۳/۱؛ مکارم، ۱۴۲۶: ۱۳۲/۱). عبارت «أُولُوا الْأَلْبَابِ» در آیات قرآن کریم (بقره: ۲۶۹؛ زمر: ۱۸؛ آل عمران: ۱۹۱) به معنای صاحبان عقل و خرد است. بر اساس این آیات، شناخت و درک احکام و آیات تکوینی و تشریحی الهی با عقل سلیم و خالص آن هم صرفاً به اعطای خداوند صورت می‌گیرد نه با عقل معاش و خودبنیاد.

#### ۱/۴. فؤاد

فؤاد از ماده «فأد» در اصطلاح قرآنی، هم به معنای نفس و روح و هم به معنای قلب و عقل به‌مثابه قوه ادراکی آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۲۸/۳؛ طریحی، ۱۴۰۸: ۱۱۹/۳؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۴۲/۵). در برخی آیات (هود: ۱۲۰؛ فرقان: ۳۲؛ قصص: ۱۰) فؤاد به معنای نخست (روح و نفس) آمده است (طباطبایی، بی‌تا، ۱۲/۱۶) و در برخی آیات دیگر در کنار سایر منابع و ابزارها، نقش معرفتی دارد: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا» (اسرا: ۳۶؛



طباطبایی، بی تا، ۹۵/۱۳)؛ «وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ» (انعام/ ۱۱۰) یا «مَّا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (نجم: ۱۱). بنابراین مراد از فؤاد به عنوان ابزار ادراکی و در کنار سایر منابع معرفتی بشر، همان عقل (عقل نظری و عملی) است.

قرآن کریم در کنار مشتقات عقل و کارکردهای آن، از ادبیات و مفاهیم دیگری نظیر «تفکر»، «تدبر» و «تفقه» نیز بهره می‌گیرد. در آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جاثیه: ۱۳) به کارکرد تفکر اشاره دارد؛ همان گونه که در آیات دیگر به همراه دعوت به تعقل و تفکر، منابع معرفتی آن را نیز معرفی می‌کند: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳؛ طباطبایی، بی تا، ۸۸/۳؛ مطهری، ۱۳۵۷: ۹۲-۹۱).

از جمله مفاهیم ناظر به کارکرد عقل، مفهوم «تدبر» به معنای تفکر و اندیشیدن در عواقب امری است (فراهدی، بی تا، ۳۳/۸). این مفهوم در قرآن کریم نیز در همین معنا استعمال شده است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ...» (نساء: ۸۲). این آیه ضمن اینکه ناظر به منبعیت قرآن و الهی بودن این منبع است، به نقش ابزاری بودن عقل در فهم و تدبر در قرآن نیز اشاره دارد: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴). بر اساس این آیه تدبر نکردن در قرآن ناشی از کوری و کری عقل است؛ لذا شرط بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن، داشتن عقل سلیم است؛ زیرا عقل یکی از راه‌های شناخت است. از این آیه می‌توان به نقش عقل در فهم قرآن استدلال نمود؛ به عبارت دیگر عقل سلیم به عنوان یکی از ابزارهای معرفتی می‌تواند بدون کمک روایات به فهم و تفسیر قرآن پردازد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۷۴/۹؛ طباطبایی، بی تا، ۲۴۱/۱۸).

«تفقه» به معنای فهم عمیق نیز یکی از مفاهیم ناظر به کارکرد معرفتی عقل است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۲/۱۳؛ راغب، ۱۴۱۲: ۶۴۲/۱). فقه و تفقه در اصطلاح علوم اسلامی، به معنای علم به احکام شریعت است؛ اما در قرآن کریم به معنای نخست بوده و به عنوان یکی از کارکردهای عقل در حوزه‌های مختلف، از جمله خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی مطرح است: «انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام: ۶۵) یا «قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

يَفْقَهُونَ﴾ (انعام: ۹۸). خداوند کسانی را که از این فهم عمیق نسبت به مسائل و پدیده‌ها بهره ندارند و خودشان را محروم ساخته‌اند، سرزنش و نکوهش می‌کند: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾ (اعراف: ۱۷۹)؛ یعنی عقل دارند، ولی فهمشان سطحی و ظاهری است.

## ۲. پیشینه مسئله

مسئله کارکردها و کاربردهای عقل، در علوم مختلف و همچنین در برخی آثار و منابع مورد بررسی قرار گرفت؛ اما درباره عقل در قرآن، آثار و مقالاتی وجود دارد که بیشتر ناظر به حقیقت و معانی عقل است؛ مثلاً محمدعلی مبینی (۱۳۸۰) در مقاله «عقل در قرآن» به معانی عقل و مترادف‌های آن پرداخته است. استاد علی‌اکبر رشاد (۱۳۸۵) در مقاله «گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهم و تحقق دین»، کارکردها و کاربردهای عقل را در حوزه فهم دین بررسی نموده است. یا آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۶) در کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت» دینی و استاد ابوالقاسم علیدوست (۱۳۸۳) در کتاب «فقه و عقل» به برخی کارکردهای عقل پرداخته‌اند. یا در دیگر کتاب‌ها و مقالات مشابه که بیشتر جایگاه عقل و عقلانیت در قرآن مورد بررسی قرار گرفت؛ اما مقاله‌ای که به ظرفیت‌های منبعی و ابزاری عقل در قرآن کریم پرداخته باشد، نیافتیم؛ لذا از نوآوری‌های مقاله جامعیت آن در بررسی انواع کاربردها، ظرفیت‌ها و کارکردهای منبعی و ابزاری عقل از منظر قرآن کریم به‌ویژه در حوزه علم دینی و علوم انسانی اسلامی است.

## ب. ظرفیت‌های منبعی عقل در قرآن کریم

عقل به‌عنوان یکی از نیروی شناخت، دارای دو کارکرد نظری و عملی است (محقق اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۳؛ مظفر، بی‌تا، ۳۴۳). عقل نظری خاصیت معرفت‌زایی و اکتشاف‌گری داشته، به مطالعه اکتشافی حقایق اشیا می‌پردازد، بدون اینکه به باید‌ها و نبایدها، هنجارها و ارزش‌ها و چگونگی‌ها بپردازد؛ اما کارکرد عملی عقل ناظر به حیطة اعمال ارادی انسان بوده، بیشتر خاصیت ارزش‌گذاری دارد (طباطبایی، بی‌تا، ۱۴۸/۲ و ۱۸۰ و ۵۵/۸). عقل در قرآن، هم کارکرد نظری دارد و هم کارکرد عملی. به‌عبارت دیگر عقل از منظر قرآن، اعم از عقل نظری و عقل عملی است. با توجه

به ماهیت علوم انسانی، هم عقل نظری در آن، کاربرد دارد و هم عقل عملی.

عقل نظری در علوم انسانی اعم از عقل تجربی، عقل نیمه‌تجربی، عقل تجریدی محض و عقل ناب است.<sup>۱</sup> عقل تجریدی محض به‌عنوان منبع معرفتی معمولاً در فلسفه و کلام و براهین نظری کاربرد دارد. «عقل تجربی» به‌مثابه ابزار در علوم طبیعی و بیشتر علوم انسانی ظهور می‌یابد و «عقل نیمه‌تجربی» عهده‌دار ریاضیات است و «عقل ناب» در عرفان نظری کاربرد دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶ و ۷۱).

بنابراین کارکردهای عقل به‌ویژه عقل نظری را می‌توان در سه دسته جای داد: معرفت‌زایی، معناگری و سنجشگری (رشاد، ۱۳۸۵: ۱۱-۳۸). نقش معرفت‌زایی (استقلالی) مربوط به منبعیت عقل است. عقل در این مقام به تنهایی مولد معرفت است. برخی آیات قرآن بر کارکرد معرفت‌زایی (منبعی) عقل تأکید دارند: ﴿كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بقره: ۷۳)؛ ﴿أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰)؛ ﴿وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک: ۱۰) و ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّاءُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ﴾ (انفال: ۲۲)؛ بقره: ۱۶۴، ۱۷۰ و ۱۷۱). در این آیات، عقل به‌عنوان منبع معرفت‌زا (مولد) در کنار نقل مطرح است (آلوسی، ۱۴۱۴: ۸ و ۳۸؛ طباطبایی، بی‌تا، ۲۲۴/۱۵). آیاتی نظیر: ﴿... قَالُوا بَلْ نَنْبَغُ مَا أَلْفَيْتَنَا عَلَيْهِ أَبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره: ۱۷۰) که هم جنبه نظری دارد و هم ناظر ارزش‌ها و بایدها و نبایدهاست، به هر دو ساحت عقل اشاره دارد. این آیه درباره کفار و مشرکان مدینه است که پیامبر اسلام ﷺ آنان را به اسلام دعوت فرمود و آنها گفتند: ما از پدران خود پیروی می‌کنیم (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۱۱/۱). آنان بدون تعقل و با تعصب

<sup>۱</sup> عقل تجربی از مقدمات حسی و تجربی بهره می‌گیرد؛ یعنی هر دو مقدمه استدلال، تجربی است؛ در حالی که یک مقدمه عقل نیمه‌تجربی انتزاعی و مقدمه دیگر، حسی و تجربی است. در عقل تجریدی محض هر دو مقدمه، عقلی و غیر تجربی است. سه کارکرد یادشده از سنخ معرفت‌حصولی‌اند؛ در حالی که در عقل ناب، با حضور و شهود سرکار داریم.

جاهلی، آیین گذشتگان و پدران خود را منبع معرفتی و عملی معرفی می‌کردند. بنابراین یکی از ظرفیت‌ها و کارکردهای اصلی عقل، نقش منبعی آن است. مراد از منبعیت عقل، کارکرد استقلالی آن است. به عبارت دیگر زمانی که جنبه معرفت‌زایی استقلالی عقل را در نظر بگیریم، مراد عقل منبعی است. برخی کارکردهای منبعی عقل عبارت‌اند از: درک و اثبات مسائل بنیادین علم، درک استقلالی ارزش‌ها و احکام و امثال آن.

### ۱. درک و اثبات مسائل بنیادین علم

عقل به مثابه منبع مستقل معرفت، اثبات‌گر آموزه‌های بنیادین علم است. مراد از مسائل بنیادین، پیش‌فرض‌ها و مبانی عقلی و فلسفی علم است؛ مثلاً در برخی موضوعات نظیر اصول عقاید، عقل یکی از منابع برای اثبات آموزه‌های کلی و زیربنایی اعتقادی و کلامی است و استفاده از غیر آن کارگشا نیست بلکه در مواردی دور و باطل است؛ بنابراین پاره‌ای از کارکردهای عقل در حوزه تولید علم انحصاری است (طباطبایی، بی تا: ۵۸/۱۳). در فروع احکام نیز عقل به عنوان یکی از ادله چهارگانه استنباط در مذهب شیعه شناخته می‌شود. با مراجعه به قرآن کریم کارکردهای منبعی عقل قابل استنباط است. برخی آیات به معرفت‌زایی استقلالی عقل دلالت دارند: ﴿أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰). این آیه تعقل را به صورت مطلق آورده و به منبع خاصی مستند نکرده است که با توجه به متعلق تعقل (خداشناسی و خداپرستی) مراد، بیشتر عقل منبعی و استقلالی است. در برخی دیگر از آیات، عقل در عرض سمع (نقل) آمده که دال بر کارکرد منبعی و معرفت‌زایی استقلالی آن است: ﴿وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک: ۱۰). نفی تقلید کورکورانه گویای اعتبار منبعیت عقل است. قرآن کریم یکی از عواملی را که مانع از تحقیق کفار و در نتیجه اعراض آنها از ایمان به خدا می‌شود، تقلید کورکورانه آنها از پیشینیان خود معرفی می‌کند: ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا الْفِئْتَانَا عَلَيْهِ آبَائُنَا أَوْ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبَاؤَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره: ۱۷۰). تقلید کورکورانه از گذشتگان، مخالف عقل بوده و سخن بدون علم است (طباطبایی، بی تا: ۴۱۹/۱ و ۱۵۸-۱۵۹/۶).

۱۳۷

قرآن پژوهی

ظرفیت‌های منبعی و ابزار عقل در تولید علم دینی (با تأکید بر آیات قرآن کریم)

## ۲. اثبات اعتبار سایر منابع معرفتی

یکی از کارکردهای عقل منبعی، اثبات اعتبار و حقانیت سایر منابع و ابزارهای معرفتی است. به عبارت دیگر عقل، ضمن اینکه اصل ضرورت سایر منابع و ابزارهای معرفتی را درک می‌کند، اثبات‌کننده اعتبار و حجیت آن نیز می‌باشد. عقل در این زمینه به صورت مستقل و بدون بهره‌گیری از وحی و نقل چنین قابلیت‌هایی دارد و نقش وحی و نقل جنبه ارشادی و تأییدی دارد؛ مثلاً آیه **﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾** (اسرا: ۳۶) که به معرفی منابع و ابزارهای معرفتی می‌پردازد، درحقیقت مؤید عقل است.

## ۳. درک استقلالی برخی ارزش‌ها

از کارکرد استقلالی عقل در حوزه ارزش‌شناسی و اخلاق، درک حسن و قبح می‌باشد؛ زیرا بر اساس نظریه «حسن و قبح ذاتی و عقلی» هر عملی در ذات خود دارای ویژگی زشتی یا زیبایی است. ارزش‌ها اعم از ارزش‌های اخلاقی و غیر اخلاقی است. افعال نیکو مانند عدالت‌ورزی، احسان به دیگران و کمک به مظلوم که به خودی خود نیکو و حسن‌اند و خداوند نیز با همین ملاک به انجام آن فرمان می‌دهد یا از انجام آنها باز می‌دارد: **﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ... وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾** (نحل: ۹۰). عقل به تنهایی و فارغ حکم شارع توانایی درک حسن و قبح برخی افعال را دارد. برخی گمان می‌کنند تنها کاربرد استقلالی عقل در حسن و قبح می‌باشد؛ در حالی که به اعتقاد ما حسن و قبح دارای مصادیق فراوانی است و این مصادیق در ساحات مختلف دین نظیر ساحت فقهی، حقوقی و اخلاقی متفاوت است. در حوزه اخلاق، برخی مصادیق حسن و قبح امری بدیهی و ضروری‌اند، مانند حُسن ادای دین، ردّ امانت، عدالت‌ورزی، احسان به دیگران، نجات غریق، رعایت انصاف، حمایت از مظلوم و شکر منعم و نیز قبح خیانت در امانت، ظلم، ناسپاسی، تجاوز به حقوق دیگران، پیمان‌شکنی، دروغ‌گویی و بی‌انصافی (مصباح، ۱۳۷۳: ۴۱۳/۲-۴۲۵؛ جنّاتی، ۱۳۷۰: ۲۳۰-۲۳۸). آیاتی نظیر **﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾** (الرحمن: ۵۶) یا **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ﴾** (اعراف: ۲۸) گواه این امر است. بنابراین عقل به تنهایی و بدون کمک شرع، توانایی ادراک برخی از خوبی‌ها و زشتی‌ها را دارد. علاوه بر بداهت احکام عقلی، در مواردی مانند حسن ادای امانت، عدالت‌ورزی و سپاس‌گذاری نسبت به کسی که

به وی احسان نمود یا قبیح ظلم، پیمان‌شکنی و خیانت در امانت، آیات و روایات زیادی عقل را نور و حجت الهی دانسته‌اند (حسینی، ۱۳۸۱: ۶۱). بنابراین اگر در توانایی استقلال عقل تشکیک کنیم، درباره مهم‌ترین احکام، نظیر ضرورت شناخت پروردگار و اطاعت از اوامر و نواهی او نیز باید تشکیک کنیم و در نتیجه اصل ضرورت اطاعت از اوامر و نواهی الهی موجه نخواهد بود.

البته برخی رویکردها نظیر اخباریون شیعه، هرچند حسن و قبح عقلی افعال را می‌پذیرند، قاعده ملازمه و به تبع آن، نقش منبعی عقل را انکار می‌کنند. آنان وجوب و حرمت ذاتی را قبول ندارند؛ مثلاً از «عدل حسن است و فاعل آن مستحق مدح» نمی‌توان به حکم شرع رسید و نتیجه گرفت که آنچه نزد عقل حسن و مستحق مدح باشد، نزد شارع واجب و مستحق ثواب است و آنچه نزد عقل قبیح و مستحق نکوهش باشد، نزد شارع حرام و مستحق عقاب است (استرآبادی، بی‌تا، ۳۲۸). آنان تمسک به ملازمات عقلیه را از راه‌های نامعتبر و ظنی‌ای که علمای عامه برای استنباط احکام شرعی تأسیس کرده‌اند، می‌دانند (همان، ۱۰۲ و ۲۷۲).

عقل همچنین می‌تواند برخی احکام شرعی را به صورت استقلالی و بدون کمک از دلیل شرعی و تنها با مقدمات کاملاً عقلی درک کند؛ برای نمونه عقل می‌تواند بدون نیاز به دلیل شرعی و صرفاً با دو مقدمه عقلی «شکر منعم واجب است» و «کَلِمَا حَکْمٌ بِه الْعَقْلُ حَکْمٌ بِه الشَّرْعُ» به «وجوب شرعی شکر منعم» برسد. این کارکرد در حوزه احکام، بر اصول و مبانی مختلفی استوار است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی؛ توانایی عقل نظری در درک مصالح و مفاسد؛ توانایی عقل به فهم و کشف ملازمه حکم عقل و حکم شرع؛ حکم عقل عملی به حسن مصالح و قبح مفاسد و حکم به انجام مصالح و ترک مفاسد و امثال آن.

#### ۴. روش‌سازی (تولید روش)

یکی دیگر از کارکردهای عقل منبعی ظرفیت روش‌شناختی آن است. عقل در این زمینه با ساماندهی مجموعه ضوابط و قواعد عقلانی به تولید روش علوم می‌پردازد؛ به عبارت دیگر ضابطه‌گذاری و قاعده‌سازی در تولید علم، کار عقل است و عقل می‌تواند برخی از قواعد و ضوابط روش‌گانی را به صورت استقلالی ارائه کند؛ مثلاً سنجش روایی و پایایی یک روش بر عهده عقل است. کاربرد و کارایی روش یا قاعده، منوط به تحقق و رعایت پاره‌ای شروط است. منظور ما از ضوابط در روش‌شناسی، شروط و شرایط کارایی و کاربرد یک روش و قاعده علمی است. عقل می‌تواند بسیاری از این شروط و شرایط را شناسایی و تعیین کند؛ مثلاً در حوزه روش فهم دین، برخی از شرایط و ضوابط بهره‌گیری از اصول و قواعد عبارت‌اند از: تبارشناسی و ریشه‌های علمی اصل یا قاعده؛

ماهیت‌شناسی اصل یا قاعده؛ خاستگاه اصل یا قاعده؛ تشریح مفردات اصل و قاعده؛ دلالت‌شناسی اصل و قاعده؛ سندشناسی اصل و قاعده؛ نسبت و مناسبات آن با قواعد مرتبط و امثال آن.

### ج. ظرفیت‌های ابزاری عقل از منظر قرآن کریم

عقل در کنار نقش منبعی (معرفت‌زایی استقلالی) نقش ابزاری نیز دارد؛ به عبارت دیگر از جمله کارکردهای عقل، نقش ابزاری آن است. مراد از ابزاری بودن عقل، کارکرد غیر استقلالی آن می‌باشد. اگر عقل به عنوان مفسر کتاب و سنت، فهمنده امور فطری، تحلیل‌گر داده‌های طبیعی و تجربی، سنجش‌گر اطلاعات شهودی مد نظر باشد، با جنبه ابزاری عقل، سر کار خواهیم داشت؛ بنابراین برخی از کارکردهای ابزاری عقل عبارت‌اند از: معناگری، معناسنجی، روش‌سازی<sup>۱</sup> (قاعده‌ساز، ضابطه‌گذار و تعیین‌گر مسیر) به کمک سایر منابع معرفتی، اثبات‌گر (اثبات حجیت سایر منابع و مدارک معرفتی)، اعتبارسنج (سنجش میزان اعتبار سایر منابع و ابزارهای معرفتی) (رشاد، ۱۳۸۵: ۳۸-۱۱).

#### ۱. معناگری سایر منابع معرفتی

یکی از نقش‌های مهم ابزاری عقل، معناگری سایر منابع معرفتی است. به عبارت دیگر، عقل ابزاری، معناگری، فهم و تفسیر دیگر منابع و مدارک معرفتی مثل وحی (کتاب و سنت) و طبیعت را بر عهده دارد؛ زیرا بدون کاربست عقل، فهم و درک سایر منابع ممکن نخواهد بود. اگر انسان دارای ابزار عقل نبود، سایر مدارک و منابع معرفتی کارایی نداشت؛ لذا انسان با کاربست عقل می‌تواند به فهم کتاب، سنت و طبیعت نایل شود. بر اساس برخی آیات کارکرد معرفتی عقل از طریق دیگر منابع معرفتی صورت می‌پذیرد: پاره‌ای از آیات مانند «كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره: ۷۳). عقل با مطالعه آیات الهی (آیات تکوینی و تدوینی) به معرفت و شناخت نایل می‌شود: «إِنَّا جَعَلْنَا هَٰذَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف: ۴۳) یا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲). بر اساس این آیات، قرآن به عنوان منبع

<sup>۱</sup> روش‌سازی عقل، گاهی استقلالی است. عقل در این مرحله به تنهایی (بدون بهره‌گیری از سایر منابع معرفتی)، مجموعه ضوابط و قواعد عقلانی را جهت تولید علم، سامان می‌دهد و گاه به کمک سایر منابع معرفتی به تولید روش می‌پردازد؛ مثلاً در مقام روش‌سازی، برخی مقدمات و قواعد روشی را از کتاب و سنت می‌گیرد.

معرفت و عقل به‌عنوان ابزار فهم آن می‌باشد؛ زیرا قرآن مشتمل بر معارف مختلفی است که انسان با کمک عقل می‌تواند از آن استفاده نماید<sup>۱</sup> (طباطبایی، بی‌تا: ۷۴/۱۱). ﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بقره: ۲۴۲). این آیات ناظر به مسائل علوم انسانی (مثل مسئله ازدواج و طلاق از مسائل فقهی و حقوقی) است.<sup>۲</sup> بر اساس آیات یادشده تعقل باید مبدأ حرکت به سوی عمل و در نهایت رسیدن کمال باشد. در غیر این صورت ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (انفال: ۲۲). عقل با به‌کارگیری اصول و قواعد عقلی و عقلایی<sup>۳</sup> به فهم متن پرداخته، عهده‌دار تثبیت، تفسیر، رد، تخصیص، تقیید، تعمیم، مفهوم‌گیری و امثال آن می‌باشد.<sup>۴</sup> به‌عبارت دیگر عقل در کنار اثبات حجیت سایر منابع و مدارک معرفتی به‌ویژه کتاب و سنت معنای متن را نیز تثبیت و بیان (تفسیر) می‌کند. مراد از تفسیر در اصطلاح بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن است (طباطبایی، بی‌تا، ۴/۱).

## ۲. درک آیات و سنت‌های الهی

عقل به‌مثابه ابزار معرفت، درک‌کننده آیات و نشانه‌های تکوینی (طبیعت به‌مثابه یکی از منابع معرفتی) از عظمت و قدرت خالق یکتاست؛ آیاتی که به فرمان او برای انسان تسخیر شده‌اند: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ الدَّلِيلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ «خداوند شب و روز و خورشید، ماه و ستارگان را به‌مثابه منبع طبیعی و آیات الهی در خدمت و تسخیر بشر قرار داده شما قرار داده تا بشر با ابزار عقل به تدبیر در آیات و نشانه‌های الهی پرداخته و به عظمت و قدرت خالق آن پی ببرند. البته این امر تنها برای

<sup>۱</sup> در این موارد، عقل، به لحاظ استقلالی، معرفت‌زا نیست؛ بلکه ابزار کشف معرفت از دیگر منابع است؛ زیرا مراد از کارکرد معرفت‌زایی، نقش استقلالی است؛ اما در فرض ابزاربودن، عقل، داده‌ها را از کتاب و سنت (به عنوان منبع مستقل) می‌گیرد؛ لذا عقل از این جهت، منبع مستقل نیست؛ بلکه کتاب و سنت به عنوان منبع مستقل و معرفت‌زا و عقل، ابزاری برای استخراج معارف از این منابع است.

<sup>۲</sup> اشاره به نحوه پرداخت مهریه به زنان پس از طلاق و سفارش‌های عاطفی و اخلاقی در این زمینه

<sup>۳</sup> مراد از اصول و قواعد عقلایی در فهم متن، اصول و قواعد روشی است؛ مثل اصل یا قاعده «ارجاع متشابهات به محکومات»، قاعده «سیاق» یا قاعده «تقدم سیاق بر روایت» و امثال آن در تفسیر قرآن.

<sup>۴</sup> تخصیص به معنای اخراج افراد خاص از شمول حکم عام است و تعمیم، عکس آن است. تقیید عبارت است از اینکه متکلم با ذکر قید یا شرطی لفظ مطلق را از گستره شمول و شیوع آن خارج و دلالت آن را با قید یا شرط خاصی مقید و محدود نماید.



کسانی که تعقل و تدبر کنند، نشانه‌هایی قطعی [از عظمت و قدرت و حکمت و رأفت] اوست» (نحل: ۱۲). طبق این آیه نظام هستی (ممکنات) به‌ویژه نظام طبیعت به‌عنوان منبع معرفت، بستر تفکر و توجه صاحبان خرد بوده و نیروی عقل نیز به‌مثابه ابزار معرفت خواهد بود.

عقل، به‌مثابه ابزار معرفتی، لازمه شنوایی و بینایی انسان است: ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (بقره: ۱۷۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۱۱/۱). عقل ابزار درک محسوسات و جهان ماده است: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ (غاشیه: ۱۷-۲۰). از جمله کارکردهای ابزاری عقل، درک تاریخ گذشتگان و عبرت‌گیری از آن می‌باشد: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...﴾ (حج: ۴۶). خداوند در قرآن، انسان را در حوزه‌های مختلف به عقل و عقلانیت دعوت کرده است که در مجموع، متعلق تعقل را به دو دسته می‌توان طبقه‌بندی نمود: تعقل درباره خدا و جهان (مادی و فرامادی) و تعقل درباره مسائل انسانی. دسته نخست به‌لحاظ معرفتی از مسائل زیرساختی و مبنایی برای علوم انسانی است و دسته دوم از سنخ مسائل درونی و روساختی علوم انسانی است:

### ۳. تعقل درباره جهان و هستی (به‌مثابه زیرساخت علوم انسانی)

از کارکردهای زیرساختی عقل، اندیشه در آیات تکوینی و تدوینی به‌عنوان زیرساخت و مبنای علوم انسانی است. خداوند متعال در قرآن، بشر را به تعقل و اندیشیدن در آیات تدوینی و تکوینی دعوت نموده است. آیات تدوینی همان وحی الهی است و آیات تکوینی الهی (کتاب تکوین) عبارت‌اند از: خلقت آسمان‌ها و زمین؛ اختلاف شب و نزول باران از آسمان و امثال آن. هر دو قسم از متعلق تعقل، نقش منبع معرفتی داشته و عقل نیز نقش ابزار معرفتی دارد و محصول معرفتی تعقل نیز به‌مثابه مبنای هستی‌شناختی و جهان‌شناختی برای علوم انسانی مطرح‌اند. هدف اصلی در دعوت به تعقل و تفکر در آیات تکوینی، بیشتر، اثبات توحید است: ﴿ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار و... لآیات لقوم یعقلون﴾ (بقره: ۱۶۴). خداوند درباره تعقل در زنده‌شدن زمین پس از مردن آن می‌فرماید: ﴿... ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بین لکم الایات لعلکم تعقلون﴾ (حدید: ۱۷) یا ﴿و لئن سئلتهم من نزل من السماء ماء فاحیا به

الارض من بعد موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعقلون ﴿عنكبوت: ۶۳﴾. مقصود از احیای زمین بعد از مردن آن، همان رویاندن گیاهان در بهار بعد از مردن آنها در زمستان است (طباطبایی، بی تا، ۱۴۹/۱۶). به حسب ظاهر خداوند متعال، انسان را به تعقل و تفکر در آیات تکوینی و طبیعی دعوت کرده است؛ اما در واقع در صدد اثبات مسئله‌ای زیربنایی تر نظیر توحید (و نفی شرک) است؛ زیرا نظام عالم، نظام واحد و احسن است و در نتیجه خالق و مدبر آن نیز یکی است (همان: ۱۹۶/۱-۱۹۸ و ج ۱۶/۱۷۶-۱۷۷).

خداوند با دعوت به تعقل در تنوع میوه‌ها در صدد اقامه برهان، جهت اثبات توحید خالقیت و ربوبیت است (نحل: ۱۱ و ۶۷؛ رعد: ۴). براهین به‌کاررفته در قرآن کریم مبتنی بر مقدمات عقلی است (طباطبایی، بی تا، ۲۹۳/۱۱-۲۹۴). در برخی آیات، تسخیر شب و روز مایه عبرت عقلاست (نحل: ۱۲؛ طباطبایی، بی تا، ۳۱۲/۱۴). همچنین خداوند متعال در آیات دیگر انسان را به اندیشیدن درباره اختلاف شب و روز دعوت کرده است (یونس: ۶؛ بقره: ۱۸۴؛ آل عمران: ۱۹۰؛ مومنون: ۸۰؛ نحل: ۱۲؛ اسراء: ۱۲؛ جاثیه: ۵). این گونه آیات دلالت روشنی بر توحید ربوبی خداوند دارد (طباطبایی، بی تا، ۵۴/۱۵-۵۵).

برخی آیات به تعقل و تفکر در هدف خلقت آسمان و زمین اشاره دارند: ﴿أَو لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (روم: ۸)؛ یعنی با بررسی عقلی درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین به این نتیجه رهنمون خواهیم شد. این خلقت نمی‌تواند باطل، پوچ، بی معنا و بی هدف باشد؛ بلکه همه اینها نزد انسان خردمند، آیات و نشانه‌هایی بر حکمت و قدرت خالق هستی خواهد بود: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران: ۱۹۰).

برخی آیات برای اثبات شایستگی خداوند برای عبادت، بشر را به تفکر و تعقل در آیات الهی دعوت کرده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى مِنْ قَبْلِ وَ لِتَبْلُغُوا أَجْلاً مَسْمُومًا وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (غافر: ۶۷). خداوند متعال پس از آنکه در آیات پیش از این آیه، مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کند، در این آیه آنان را به تدبیر و تعقل در خلقت خودشان و عظمت این کار فرا می‌خواند. همچنین در آیات دیگر، آنان را به تفکر در قدرت الهی و اثبات آن دعوت کرده است: ﴿وَ مِنْ نَعْمِهِ نَنكَسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس: ۶۸). خداوند در

آیه قبل (یس: ۶۷) امکان مسخ کفار را مطرح کرده و در این آیه نیز برای اثبات آن، به تغییرات انسان در زمان پیری استشهد می‌کند (طباطبایی، بی تا، ۱۰۸/۱۷).

#### ۴. دعوت به تعقل درباره مسائل انسانی

دسته دیگر از آیات قرآن کریم به تعقل درباره انسان و کنش‌های وی اشاره دارند که بیشتر ناظر به مسائل علوم انسانی است. برخی آیات، ما را به تعقل و تفکر در آثار و سرنوشت گذشتگان دعوت می‌کنند: ﴿و ما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحى اليهم من اهل القرى افلم يسيروا فى الارض فينظروا كيف كان عاقبه الذين من قبلهم و لدار الاخرة خير للذين اتقوا افلا تعقلون﴾ (یوسف: ۱۰۹). مطالعه و تأمل نظری درباره شهرهای مخروبه و خانه‌های خالی و ویران شده، بیانگر سرنوشت ساکنان و صاحبان آن دیار خواهد بود. از جمله کسانی که خداوند ما را به تأمل در عاقبت آنها دعوت کرده است، مجرمانند: ﴿و امطرنا عليهم مطراً فانظر كيف كان عاقبة المجرمين﴾ (نمل: ۶۹). دسته دیگر، مفسدانند. خداوند متعال پس از اشاره به سرنوشت فرعون درباره سرنوشت مفسدان می‌فرماید: ﴿فانظر كيف كان عاقبة المفسدين﴾ (اعراف: ۱۰۳؛ اعراف: ۸۶). گروه سوم، ظالمانند: ﴿فانظر كيف كان عاقبة الظالمين﴾ (یونس: ۳۹؛ قصص: ۴۰). همچنین به مطالعه سرنوشت انکارکنندگان آیات الهی (مکذبین) نیز دعوت کرده است: ﴿فسيروا فى الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين﴾ (آل عمران: ۱۳۷؛ انعام: ۱۱؛ نحل: ۳۶). موضوع سرنوشت اقوام گذشته، صرفاً یک موضوع تاریخی نیست؛ بلکه بخش عمده مسائل علوم انسانی اعم از مسائل تاریخی (مسائل علم تاریخ)، مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی، نظامی و امثال آن را شامل می‌شود.

بر اساس آیات فوق می‌توان نتیجه گرفت که اولاً تاریخ و گذشته بشر، منبع معرفتی برای علوم انسانی خواهد بود؛ ثانیاً عقل نیز ابزار تأمل و مطالعه از آن منبع معرفتی است؛ ثالثاً قرآن کریم نیز در زمینه سرنوشت برخی اقوام گذشته، منبع معرفتی، متقن و معتبری است. به عبارت دیگر قرآن کریم افزون بر دعوت به مطالعه سرگذشت اقوام گذشته، خود نیز در قالب قصص واقعی، سرنوشت برخی اقوام را بیان می‌کند. قرآن از حوادث و رویدادهای گذشته تابلویی ترسیم می‌کند که به عنوان یک منبع تاریخی قابل اعتماد نیز به حساب می‌آید.

برخی آیات، ناظر به تعقل و تفکر درباره کتاب وحی اند: «انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون و انه فی ام الكتاب لدینا علی حکیم» (زخرف: ۳؛ طباطبایی، بی تا، ۸۳/۱۸ و ۷۵/۱۱) که عقل در اینجا به مثابه ابزار معرفتی، معناگر و فهمنده قرآن کریم است نه منبع معرفتی مستقل. از دیگر اموری که در قرآن به آن دعوت به تفکر شده، مقایسه بین دنیا و آخرت و برتری آخرت بر دنیا است: ﴿و ما الحیوة الدنیا الا لعب و لهو و للدار الآخرة خیر للذین یتقون افلا تعقلون﴾ (انعام: ۳۲؛ طباطبایی، بی تا، ۵۷/۷). بر اساس این آیه اگر مسائل علوم انسانی و اهداف آن، صرفاً ناظر به مادی و دنیوی باشد، از مصادیق لهو و لعب بوده و زندگانی دنیا نیز وسیله فریب انسان‌ها خواهد بود: ﴿زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسومة و الانعام و الحرث ذلك متاع الحیوة الدنیا و اللہ عنده حسن الماب﴾ (آل عمران: ۱۴) یا ﴿و ما الحیة الدنیا الا متاع الغرور﴾ (آل عمران: ۱۸۵)؛ زیرا ارزش حیات مادی و دنیوی (فارغ از حیات ابدی و اخروی)، خیلی اندک و ناچیز است: ﴿ارضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة فما متع الحیوة الدنیا فی الآخرة الا لقلیل﴾ (توبه: ۳۸).

برخی آیات، بشر را به تفکر و تعقل درباره اساسی‌ترین مسائل انسانی و اجتماعی دعوت کرده است: ﴿قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئاً و بالولدین احسناً و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و ایاهم و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلكم وصیکم به لعلکم تعقلون﴾ (انعام: ۱۵۱). این آیه به بیان مسائل مهم انسانی (همچون احترام به والدین، نهی از کشتن فرزندان از روی ترس، نهی از کشتن افراد بی‌گناه و امثال آن) پرداخته است؛ مسائلی که اولاً مشترک بین تمامی شریعت و آیین‌هاست؛ ثانیاً اختصاص به حوزه خاصی از علوم انسانی نداشته و ساحت‌های مختلف فقهی، اخلاقی، تربیتی، حقوقی، اقتصادی و نظایر را شامل می‌شود؛ ثالثاً این مسائل هم از سنخ علوم انسانی‌اند که با منبع عقل سلیم نیز قابل شناخت و قابل پذیرش خواهد بود؛ لذا در پایان آیه از عبارت «لعلکم تعقلون» آمده است (طباطبایی، بی تا، ۳۷۳/۷).

## ۵. نقش درستی آزمایی و معناسنجی

عقل به مثابه ابزار شناخت، در کنار معناگری، دارای نقش درستی آزمایی و معناسنجی نیز می‌باشد؛ یعنی هنگامی که معرفت و معنای خاصی از طریق منابع دیگر به دست می‌آید، عقل آن معنا را مورد سنجش قرار می‌دهد. به عبارت دیگر عقل در این زمینه تولیدکننده معرفت نیست؛ بلکه محصول معرفتی را سنجش و ارزیابی می‌کند که یکی از ظرفیت‌های سنجش‌گری عقل، نقد علوم است. عقل در نقد علوم به‌ویژه علوم انسانی رایج، از دیگر مدارک و مدرکات نیز بهره می‌گیرد (طباطبایی، بی‌تا، ۲۴۱/۱۰). ظرفیت سنجش‌گری و انتقادی عقل را می‌توان از برخی آیات قرآن کریم نیز به دست آورد: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۱۷-۱۸). خداوند متعال در این آیه به بندگانش بشارت می‌دهد که سخنان را گوش داده، بهترین آن را انتخاب نمایند. گوش سپردن به گفته‌ها (گفتار، نوشته‌ها، اندیشه‌ها و تفکر) و گزینش بهترین آنها مستلزم نقد و ارزیابی آن سخن است. هدف از نقد سخن، تفکیک صحت و سُقم، قوت و ضعف و سره از ناسره است. استماع غیر از سمع است. استماع به معنای گوش سپردن، مستلزم دقت، تجزیه، تحلیل و سنجش‌گری است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۲۶/۱؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۶۹۳/۲۲). عبارت «القول» در تفاسیر به معانی مختلفی آمده است. برخی مفسران، «القول» را در این آیه، به معنای «قرآن» گرفتند (شیخ طوسی، بی‌تا، ۱۷/۹)؛ زیرا یکی از نام‌هایی که بر قرآن اطلاق شده، «القول» است و برخی دیگر، آن را به معنای اوامر و دستورهای الهی دانستند (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳۹۶/۸-۳۹۱؛ آلوسی، ۱۴۱۴: ۲۴۲/۱۲)؛ اما برخی مفسران از جمله علامه طباطبایی معتقدند تخصیص یادشده، بلامخصص است؛ لذا منظور از «القول» معنای اعم آن بوده و شامل هر سخنی (گفتار، نوشته‌ها، اندیشه‌ها و تفکر) می‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ۲۵۰/۱۷؛ مکارم، بی‌تا، ۴۳۳/۱۹).

عقل ابزاری همچنین نقش معیار و میزان صدق گفته‌های خود و تطابق گفتار و عمل را نیز بازی می‌کند: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ كَاذِبُونَ﴾ (بقره: ۴۴). از کارکردهای ابزاری عقل، فهم و درک آیات قرآن است: ﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا

إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیا: ۱۰). اندیشه و تفکر در حقیقت دنیا و آخرت و نسبت بین آن دو بر عهده عقل می‌باشد: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انعام: ۳۲) یا ﴿وَمَا أُوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعٌ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِشَدَ اللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (قصص: ۶۰؛ طباطبایی، بی تا، ۶۲/۱۶).

## نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به ظرفیت‌ها و کارکردهای منبعی و ابزاری عقل از منظر قرآن کریم پرداخته است. بر اساس آیات قرآن کریم خداوند فاعل ایجابی علم و معرفت است و با توجه به اصل مبدائیت و فاعلیت حقیقی خداوند برای معرفت، اولاً فرایند تکون علم به لحاظ وجودی، «طولی - عمودی» خواهد بود؛ ثانیاً همه معارف و منابع معرفتی آن از او سرچشمه خواهد گرفت و در نتیجه خداوند مجاری، منابع و ابزارهای معرفتی را به ما شناسانده است. یکی از این منابع و ابزارهای معرفت که خداوند در اختیار بشر قرار داده است عقل می‌باشد. این منبع معرفتی دارای ظرفیت‌های مختلفی است که در مقاله حاضر، ضمن بررسی مفهوم عقل و مفاهیم مرتبط با آن، نتایج ذیل به دست آمد:

۱. عقل یکی از منابع و ابزار معرفتی به‌ویژه در علوم انسانی است.
۲. عقل در علوم انسانی، هم نقش منبعی دارد و هم نقش ابزاری؛ لذا دارای کارکردهای بسیار گسترده و وسیع است.
۳. عقل در فهم منابع متنی (کتاب و سنت) دارای نقش ابزاری است؛ کارکردهای ابزاری عقل در فهم منابع متنی عبارت‌اند از: تفسیر ادله، تخصیص، تقیید، یا تعمیم و مفهوم‌گیری و امثال آن.
۴. اعتبار و ارزش معرفتی عقل و گزاره‌های حاصل آن، ذاتی است.
۵. پاره‌ای از کارکردهای معرفتی عقل در حوزه تولید علم به‌ویژه علوم انسانی، انحصاری و بی‌بدیل است.

۶. اثبات اعتبار و حجیت دیگر منابع معرفتی (کتاب تدوین و کتاب تکوین) بر عهده عقل است. عقل، هم اثبات‌گر و حیانت قرآن است و هم فهمنده آن: عقل به‌مثابه منبع و ابزار معرفت، در همه عرصه‌ها از جمله قضایای حقیقی و تکوینی و قضایای اعتباری و تشریحی حجت است و انسان‌ها باید بر اساس آن حرکت نمایند؛ از نظر دیگری، عقل هم اثبات‌گر و حیانت قرآن برای ایمان به آن است و هم مرجعی برای فهم آیات به حساب می‌آید.
۷. عقل با سایر منابع معرفتی، هماهنگ و همخوان است (جریان قاعده ملازمه در بیشتر مسائل علوم انسانی اسلامی).
۸. عقل به رغم کارکردهای مختلف، دارای کاستی‌ها و محدودیت‌هایی است؛ لذا نیازمند سایر منابع به‌ویژه منبع وحی است.
۹. اثبات یارد حجیت دیگر روش‌ها (روش تجربی، نقلی، شهودی و امثال آن)، بر عهده عقل است.
۱۰. عقل معیار سنجش صحت و سقم علوم به‌ویژه علوم انسانی است؛ بر این اساس معیاری برای نقد علوم انسانی سکولار (در ناحیه مبانی، منطق و محتوا) است.
۱۱. روش عقلی در کنار سایر روش‌ها از اعتبار و حجیت معرفت‌شناختی برخوردار است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. استرآبادی، محمدامین، الفوائد المدنیة، قم: دار النشر لاهل البيت علیهم السلام، [بی تا].
۴. اصفهانی، محمدحسین، نهاية الدراية في شرح الكفاية، تحقیق ابوالحسن قائمی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۴.
۵. الألوسی، شهاب‌الدین، تفسیر روح المعانی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. جنّاتی، محمدابراهیم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء، ۱۳۸۵.
۸. جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱۳ (معرفت‌شناسی در قرآن)، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، ط ۴، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۱. حسینی، سیدابراهیم، «نقش عقل در استنباط قواعد و مقررات حقوقی از دیدگاه اسلام»، مجله معرفت، ش ۶۱، ۱۳۸۱.
۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، کشف المراد، چ ۳، قم: انتشارات شکوری، ۱۳۷۲.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رشاد، علی‌اکبر، «گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهم و تحقق دین»، مجله فقه و حقوق، ش ۸، ۱۳۸۵.
۱۵. شیرازی (ملاصدرا)، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم، دار المعارف الاسلامیة، ۱۳۸۳.
۱۶. — المبدأ و المعاد، بیروت: دار الهادی، ۱۴۲۰ق.

۱۴۹

قرآن پژوهی



۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *نهاية الحكمة*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۵ق.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *الميزان في تفسير القرآن*، قم: اسماعیلیان، [بی تا].
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۰. الطريحي النجفي، فخرالدين، *مجمع البحرين*، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: نشر الثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۸ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، *تفسیر التبیان*، بیروت: احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. علیدوست، ابوالقاسم، *فقه و عقل*، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، بی تا.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، ط ۳، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۲۵. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مبینی، محمدعلی، «عقل در قرآن»، *مجله معرفت*، ش ۴۸، ۱۳۸۰.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش فلسفه*، چ ۶، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق في کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۰. مطهری، مرتضی، *انسان و ایمان*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.
۳۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲۲ (حکمت‌ها و اندرزها، فلسفه اخلاق، تعلیم و تربیت در اسلام، حکمت عملی)، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۳۲. مظفر، محمدرضا، *المنطق*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، بی تا.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم: دار الکتب الاسلامیة، بی تا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، *نفحات القرآن*، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق.